أعوذُ باللَه منَ الشّيطانِ الرّجيم‌

بسمِ اللَه الرّحمنِ الرّحيم‌

الحمدُ لِلّه ربِّ العالمينَ و الصّلوةُ و السّلامُ على أشرفِ المرسلينَ‌

وخاتمِ النّبيّينَ أبى القاسمِ محمّدٍ و على آلِهِ الطّيّبينَ الطّاهرينَ‌

واللعنةُ على أعدائِهم أجمعين‌

 بحث در جلسه گذشته پیرامون كیفیت تطبیق و هماهنگی اوراد و اذكار با اشتغالات روزمره انسان در جریان رشد معنوی و تربیتی سالك بود. عرض شد كه در سلوك الی‌اللَه، جریانی می‌تواند حق و جامعِ جمیع ظهورات صفات جمالیه و جلالیه خداوند باشد كه با مشیت الهی نظام تكوین انطباق بیشتری داشته باشد؛ گرچه ممكن است كیفیت اعمال سلوكی در بعضی مراحل به‌گونه‌ای باشد كه سالك باید از شركت در مسائل اجتماعی تاحدودی امتناع نماید.[[1]](#footnote-1) رسول‌اكرم و بسیاری از پیغمبران و اولیاء، بُرهه‌ای از عمر خود را در انعزال و عدم ارتباط با مردم به‌سر بردند، اما اینكه مسیر

 سلوك عبارت باشد از ترك جمیع اموری كه انسان در حیات دنیوی به آنها وابستگی و عُلقه دارد، چنین مسیری نمی‌تواند به‌تمام معنی‌الكلمه حق باشد.

 گرچه در فرمایشات امام صادق علیه‌السّلام به) عنوان بصری (به این مسئله تصریح نشده است، اما چنین استخراج می‌شود كه حضرت متذكر مسئله می‌شوند و می‌فرمایند: «من در شبانه‌روز ساعاتی را برای وِرد و ذكر تعیین كردم، و این ساعات غیر از اوقاتی است كه در ارتباط با مسائل دیگر به‌سر می‌برم.»

## علت لزوم ذكر برای رشد معنوی انسان‌

 مطلبی كه باید مورد توجه قرار گیرد این است كه ذكر و ورد چه تأثیری در سلوك و رشد معنوی و تربیتی نفس سالك دارد و بالتّبع كلام افرادی كه در عین قائل بودن به طی مدارج و مراتب انسان، منكر لزوم ذكر و مراقبه هستند، چه جایگاهی دارد؟

 شكی نیست كه انسان موجودی مركّب از ماده و روح است؛ به‌عبارت صحیح‌تر نفس ناطقه‌ای دارد كه قالب مادی برای آن در نظر گرفته شده و حقیقت او را این بدن تشكیل نمی‌دهد.

 انسان در ارتباط با قوانین تكوین و نظام احسن خلقت، جدای از سایر موجودات نیست. اشیاء مادی در این عالم برای ادامه حیات و رشد و نمو، احتیاج به تغذیه دارند؛ زیرا نظام حاكم بر این عالم اقتضاء می‌كند كه مثلًا اگر درختی بخواهد در دنیا رشد و نمو كند، به نور، آب، اكسیژن، خاك و مواد غذایی نیاز داشته باشد، و اگر این امور سلب شوند درخت خشك می‌شود و می‌میرد و تبدیل به خاك می‌شود. گرچه تمام حیوانات و گیاهان براساس خصوصیت و شاكله‌ای كه دارند، در میزان ورود و خروج این مواد با یكدیگر اختلاف دارند،[[2]](#footnote-2) اما اگر مدتی آب و غذا نداشته‌

 باشند همه از بین می‌روند. انسان نیز از این قاعده مستثنی نیست و در حیات ظاهری خود به موادی نیاز دارد كه زیست او را در این دنیا تأمین كند؛ چنانچه هركدام از فرمول‌های تغذیه بشر تغییر كند، كسالت و سایر عوارض در او مشاهده خواهد شد.[[3]](#footnote-3)

## نیازمندی روح به ذكر، همانند احتیاج جسم به تغذیه‌

 همان‌طور كه انسان برای جسم خود به تغذیه مادی احتیاج دارد، ازنقطه‌نظر ارتقاء و تكامل روح نیز به تغذیه نیازمند است. فرد بیكار هیچ‌وقت نمی‌تواند از جهت روحی رشد كند؛ امكان ندارد شخصی كه تمام مدت زندگی خود را به ورزش و امثال آن گذارنده بتواند مكتشف و دانشمند شود.

 روح و نفس انسان برای تحصیل و رسیدن به مرتبه كمال چه نسبت به علوم ظاهری و چه نسبت به علوم باطنی به غذا و ممارست احتیاج دارد و در این راستا اگر موانعی برای او پیش آید، طبعاً در رسیدن به آن هدف ناكام است. ابن‌سینا در كلامی بسیار منطقی و حكیمانه می‌فرماید:

 رابطه اعتدال مزاج با طلب علم در كلام ابن‌سینا

 مزاج انسان زمانی در مرحله اعتدال و به‌دور از افراط و تفریط قرار دارد كه هیچ‌گاه میل و طلب به علم در او از بین نرود.

 هروقت احساس كردید طالب علم نیستید، یا نسبت به فراگیری علوم كسالت دارید، بدانید مزاج شما مریض است. ممكن است انسان ازنظر مادی و شكل و شمایل هیچ‌گونه عیب و نقصی نداشته باشد و تمام فرمول‌های صحت و سلامت بدن او در نقطه اعتدال قرار داشته باشد، اما چون ازنظر روحی و معنوی میل به علم و رسیدن‌

 به كمال در او وجود ندارد، بیمار است.

## تأثیر بیداری بین‌الطلوعین در قوای فكری انسان‌

 صحبت در این است كه عدم بیداری شب و بین‌الطّلوعین تأثیر فراوانی در قوای ذهنی و فكری انسان دارد و نحوه تفكر و برداشت فرد را نسبت به حقایق تغییر می‌دهد، و لذا در روایات آمده است كه روزی انسان را در هنگام بین‌الطّلوعین تقسیم می‌كنند.[[4]](#footnote-4) و[[5]](#footnote-5) نقل است كه می‌گویند:

## حكایتی از ابن‌سینا پیرامون تأثیر تهجّد بر ذهن‌

 روزی ابن‌سینا وارد كلاس شد و در بین درس ملاحظه كرد شاگردانش سؤالاتی می‌پرسند كه با روزهای قبل تفاوت دارد؛ به آنها گفت: «دیشب را چگونه گذراندید؟»

 گفتند: «در فلان منزل با هم گعده كرده بودیم و وقتمان به شوخی و خنده و گفتگو گذشت و بعد هم خوابیدیم.»

 گفت: «مسئله همین‌جاست! من اثر نماز شب نخواندنِ شما را در این سؤالات دریافتم!» سپس شروع به گریه كرد و گفت: «بر خودم تأسف می‌خورم كه چطور وقتم را برای امثال شما كه برای رسیدن به كمالتان این‌قدر ارزش و ارج قائل نیستید كه نیم‌ساعت قبل از اذان صبح برای نماز بلند شوید و بین‌الطّلوعین بیدار باشید قرار دادم.»

 ابن‌سینا كه تغییرات كلی او در اواخر عمرش از كلماتش مشهود است، این‌

 نكته را از كلام آنها متوجه شد؛ اما شخص بصیر و باتجربه همان‌طور كه اگر شخصی دو روز غذا نخورد از دور در صورتش پیداست از فاصله دور از صورت افراد متوجه می‌شود كه آیا این فرد شب و بین‌الطّلوعین را به عبادت و بیداری گذرانده است یا خیر!

## نیاز روح انسانی به ذكر، قانون ثابت عالم تكوین‌

 این مسئله بدین‌جهت است كه ما برای استفاده از غذای مادی و معنوی، خواسته یا ناخواسته محكوم به قوانین عالم تكوین هستیم و نمی‌توانیم خود را از تحت این نظام بیرون آوریم؛ مثلًا فردی كه چاقوی تیزی را در شكم خود فرو ببرد، آن چاقو فرو خواهد رفت و دیگر فرقی نمی‌كند چه كسی این كار را انجام می‌دهد. همان‌طور كه نظام این عالم چنین اقتضایی دارد و این مطلب از ابدهِ بدیهیاتی است كه به‌هیچ‌وجه در آن شكی نیست، نظام تربیتی انسان نیز به‌نحوی است كه باید با مراقبه طی شود و چنانچه شخص مراقبه نداشته باشد فایده‌ای نخواهد برد.

 فردی كه تحصیلِ علوم می‌كند، باید وقت فارغی برای مطالعه داشته باشد و دیگر نمی‌تواند مهمان به منزل بیاورد، چراكه از تحصیل باز می‌ماند و در امتحان مردود می‌شود. هركس این راه را رفته، موفق می‌شود و هركه نرفته، خاسر است و دستش از حقایق خالی است.

 وقتی‌كه ما در قم درس می‌خواندیم، افرادی بودند كه تمام اوقات خود را به پرداختن به مسائل سیاسی، روزنامه خریدن، دائماً صحبت كردن، جلسه گرفتن، تعطیل كردن دروس، راهپیمایی و امثال‌ذلك می‌گذراندند؛ اما چون ما به‌طوركلی كنار بودیم و اصلًا طلبه‌ای جرئت نمی‌كرد به حجره ما بیاید و معارضه یا موافقت كلی‌ای با آنها نداشتیم، از این نقطه‌نظر با ما سرِ آشتی نداشتند. درس خواندن و تمركز در دروس با رفت‌وآمد مهمان و معاشرت و تفریح و گردش نمی‌سازد و جزء موانع تحصیل علم بر سر راه طلبه و دانشجوست؛ بنده می‌دیدم این یك ساعت فراغت كه به رفت‌وآمد مهمان و گفتگوی با او می‌گذرد، گذشته است و دیگر برنمی‌گردد.

## حكایت مرحوم آیةاللَه بروجردی در لزوم اهتمام به وقت‌

 شخصی داستانی را از مرحوم آقای بروجردی برای پدرمان نقل می‌كرد كه من هم گوش می‌دادم؛ ایشان می‌گفت:

 روزی یكی از وعّاظ معروف طهران كه برای دیدن آقای بروجردی به قم آمده بود، ظاهراً در حجره آیةاللَه مطهری رحمة اللَه علیهما وارد می‌شود. آن شخص واعظ به منزل آقای بروجردی می‌رود و ایشان به خادم خود می‌فرمایند: «بگویید من الآن برای ملاقات مجالی ندارم.»

 مرحوم آقای بروجردی بعد از اتمام درس به اتفاق بعضی از اطرافیان خود به حجره مرحوم آقای مطهری می‌روند كه از این واعظ دیدن كنند؛ وقتی وارد می‌شوند و متوجه می‌شوند كه ایشان به طهران مراجعت كرده است، به آقای مطهری می‌فرمایند:) از قول من به ایشان سلام برسانید و بگویید اگر شما یك منبر بسیار مهم در یك موقعیت خاص داشته باشید كه باید برای این منبر در فرصتی كوتاه مطالعه كنید و آن‌وقت برای شما مهمان بیاید، آیا مطالعه را كنار می‌گذارید و به صحبت با او می‌پردازید یا اینكه عذرخواهی می‌كنید و به این مطلب اهم ترتیب اثر می‌دهید؟! من در قبال این جمعیت فضلاء و طلاب كه برای درس آمده‌اند، چه جوابی باید بدهم؟! (

 مرحوم آقای مطهری مطلب را به واعظ بازگو می‌كند و او می‌گوید: «نه‌تنها من از جواب ردّ ایشان ناراحت نشدم، بلكه بسیار خوشحال شدم.»

## حكایت استفتاء از مرحوم آیةاللَه بروجردی و پاسخ لطیف ایشان در اهمیت وقت فقیه‌

 مرحوم آقای بروجردی بسیار مرد باواقعیت، باتقوا و عالمی بود. روزی بنده در منزل یكی از علمای معروف طهران بودم؛ ایشان بعضی از نوشتجاتش را آورد تا بنده مطالعه كنم. در بین آنها به مسئله‌ای برخوردم كه در عین تعجب، بسیار مرا خوشحال كرد؛ ایشان از مرحوم آقای بروجردی رضوان اللَه علیه نسبت به یك مسئله وقفی استفتایی كرده بود؛ در جواب فرموده بودند:

 این مسئله احتیاج به تأمل بیشتری دارد كه در مراجعه به اهل خِبره و بصیرت در عرف روشن می‌شود؛ تضییع وقت فقیه به این‌گونه استفتائات صحیح نیست.

 مرحوم آقای بروجردی با این كلام می‌خواهد بگوید: من آدمی هستم كه وقتم‌

 ارزش دارد و اهل این نیستم كه افراد را دور خود جمع كنم و رساله بدهم و با هزار كلك اطرافم را شلوغ كنم؛ من فردی هستم كه احساس می‌كنم اگر بخواهم در خدمت دین و اسلام باشم، باید تحفّظ بر وقت داشته باشم و شما كه شخص عالمی هستید، صحیح نیست وقت مرا با این مسائل بگیرید. این كلام نشان از واقعیت و اهل دنیا نبودنِ ایشان می‌كند؛ ما كجا دیگر می‌توانیم مثل اینها را پیدا كنیم؟!

 باری، سالك كه در مقام اثبات، از حضرت حق ابتعاد پیدا كرده و از حقیقت مجرد و صفای محضِ اولیه خود به‌دور افتاده است، باید برای رسیدن به مدارج عالی كارهایی انجام دهد كه مانع از توغّل او در دنیا شود. او باید برای رسیدن به آن حقایق مجرّده و به‌فعلیت درآوردن آن استعدادات و قوای اجمالی در نفس، به عبادات و مسائل معنوی اشتغال داشته باشد و از گناه و اشتغالات عامه مردم دوری كند؛ جز این چاره دیگری وجود ندارد.

## منافات تكوینی ارتكاب محرّمات با وصول به خداوند متعال‌

 اگر انسان چهل روز به ذكر و عبادت و مراقبه اشتغال داشته باشد، تمام اثرات آن اربعین با یك تهمت به رفیق و غیبت از مؤمن خنثی می‌شود و از بین می‌رود؛ مسیر و راه همین است. این دو مسئله با یكدیگر توافق و التیام ندارند؛ زیرا خداوند متعال نظام وصول به خود را منافی با ارتكاب محرّمات و امور مانعه قرار داده است و از این نظام تعدّی و سرپیچی نمی‌كند.

## ضرورت ذكر در انكشاف حقایق توحیدی‌

 یكی از امور لازم برای رسیدن به مقام كمال و استجماع ظهورات مختلفه صفات و اسماء جمالیه و جلالیه حق، پرداختن به اوراد و اذكاری است كه موجب تلطیف و تجرّد نفس شده و بالنّتیجه انكشاف حقایقی از اسماء و صفات حق را در پی خواهد داشت؛ از این مسئله هیچ گریز و گزیری وجود ندارد.

## لزوم تناسب عمل انسان به‌حسب سیر در هر عالمی از عوالم وجود

 عالم وجود دارای مراتب و مراحل مختلفی است: عالم ماده؛ عالم برزخ و مثال؛ عالم ملكوت؛ عالم جبروت؛ عالم لاهوت. این مراتب از مرتبه ماده شروع و به مراتب اسماء كلّیه و مرتبه ذات حق منتهی می‌شود. سالك برای رسیدن به این مراتب،

 قطعاً احتیاج دارد كه در هر مرحله‌ای برحسب دقت و ظرافت ظهوراتِ عوالم عِلوی، اعمال متناسبی را انجام دهد. این اعمال باید برای هر مرتبه‌ای از مراتب لحاظ شود و نمی‌توان نَسَقِ واحدی را برای جمیع این مراحل در نظر گرفت؛ زیرا انسان در قانونی نهفته است كه اقتضا می‌كند در هر مرتبه‌ای برای صعود و ارتقاء به مدارج و مراحل بالاتر به یك نحوه ظهور و بروز داشته باشد، چنان‌كه شما با اطفال به یك نحوه و با بزرگترها به‌نحوه دیگری صحبت می‌كنید.

 چرا باید نماز صبح دو ركعت و نماز ظهر و عصر چهار ركعت و نماز مغرب سه ركعت باشد؟ آیا خداوند به میل و دلخواه خود مانند میل و اراده‌ای كه در ما وجود دارد این عبادات را برای بشر قرار داده است؟!

## تأثیر عبادات در اوقات مخصوصه خود

 شاكله وجودی انسان در ارتباط با طی مدارج كمالی و جریانات اطرافش اقتضا می‌كند كه خداوند متعال در طول شبانه‌روز عبادات مختلفی را در نظر بگیرد: نماز صبح دو ركعت و نماز ظهر چهار ركعت باشد. طلوع فجر تأثیری بر قوای روحی و جسمی انسان می‌گذارد كه لازمه آن، قیام به عبادت با این كیفیت خاص است؛ آن تأثیر، در نماز ظهر نیست و نماز ظهر تأثیر خاصّ خود را دارد.

 این مسئله كاملًا مشهود است كه حالِ انسان در موقع بین‌الطّلوعین با حال او در هنگام غروب آفتاب تفاوت می‌كند؛ در بین‌الطّلوعین كه خورشید طلوع می‌كند حال انبساط است و موقع غروب آفتاب كه خورشید پرتوی خود را برمی‌چیند، حال غم و قبض حاصل می‌شود، درحالی‌كه هر دو یكی است و هر دو مظهری از مظاهر پروردگار هستند: (وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ الْغُرُوبِ).[[6]](#footnote-6) وارداتی كه ممكن است در این دو حال برای انسان اتفاق بیفتد كاملًا با یكدیگر متفاوت است.

 در هنگام ظهر حال مخصوصی برای انسان پیدا می‌شود كه آن حال در صبح و

 در غروب وجود ندارد؛ لذا دعا در هنگام زوال از سایر مواقع به استجابت نزدیك‌تر است و بزرگان نیز به نماز ظهر بیش از سایر نمازها اهمیت می‌دادند.[[7]](#footnote-7) و[[8]](#footnote-8) تمام این اختلافات به‌جهت كیفیت ارتباط بین نظام وجودی انسان و نظام حاكمی است كه در اطراف او قرار دارد، و الّا این حالات نباید اختلاف داشته باشد.

## تأثیر وضعیت اجرام آسمانی بر اعمال انسان‌

 تمام موجودات این عالم با یكدیگر تأثیر و تأثّر و فعل و انفعال دارند؛ كُرات و اجرام آسمانی در خصوصیاتِ عالم ماده و غیرماده تأثیرات بسیار عجیب و پیچیده‌ای دارند. ارباب طِلسمات و صاحبان علوم غریبه در این مسئله مطالبی دارند و اصولًا پایه علوم آنها بر ارتباط بین اجرام سماوی قرار گرفته است. اینكه یك ذكر در موقع اقتران یا تقابل بین دو جرم سماوی اثرات متفاوتی دارد، به‌جهت كیفیت ارتباط بین نفوس ملكوتی اجرام سماوی با قضایایی است كه در این كره خاكی و سایر كرات اتفاق می‌افتد؛ این تأثیر و تأثّرات موجب كیفیتی خاص از اعمال انسان می‌شود، و لذا تأثیری كه عبادت و ذكر در بین‌الطّلوعین دارد، فقط مربوط به خصوصیت آن موقع است.

## لزوم بهره‌مندی از ادعیه در ظروف خاصّ مبتنی بر حالات و مراتب مختلف انسان‌

 ادعیه‌ای كه از ائمه معصومین علیهم‌السّلام رسیده، برای حالات و مراتب مختلف انسان در ظروف خاصّ خود بیان شده است؛ كسی نمی‌تواند از جانب خود كتاب دعایی را از اول تا آخر آن دوره كند. دعاهای افتتاح، ابی‌حمزه ثمالی، كمیل و صباح هركدام اثر خاصی دارد كه دعای دیگر ندارد.[[9]](#footnote-9) اثری كه مناجات شعبانیه دارد ادعیه ماه رجب ندارد؛ این دعا برای ماه رجب و آن برای ماه شعبان است، و چه‌بسا ممكن است قرائت بعضی از ادعیه در بعضی از حالات برای انسان مناسب نباشد.

## حكایتی در تفاوت عمل صالح و عمل حَسن‌

 یكی از آقایان درباره عمل صالح و عمل حسن و اینكه ممكن است اینها با

 یكدیگر تفاوت داشته باشد این مثال جالب را آورد؛ می‌گفت:

 روزی ما را به مجلس ختم معظمی در بالای شهر دعوت كردند. واعظ در بالای منبر به‌جای اینكه از آخرت، تعلق نداشتن به دنیا، مسائل قبر، حساب‌وكتاب و این نوع مطالب سخن بگوید كه جنبه تنبّه و تذكر داشته باشد، از اقسام سگ صحبت می‌كرد و می‌گفت: «ما چند نوع سگ داریم: سگ گلّه، سگ وحشی، سگ پاسبان، سگ شكاری، و در اسلام ذبیحه سگ شكاری حلال است.»

 وقتی از منبر پایین آمد به او گفتم: «آقا جان! حرفت حَسَن و خوب است، ولی حرف صالح و صلاحیت‌داری نیست. درست است كه چند نوع سگ داریم اما این صحبت به درد مجلس ختم نمی‌خورد؛ اینها كه فردی از خانواده خود را از دست داده‌اند، نیامده‌اند كه در این مجلس از اقسام سگ صحبت بشنوند.»

 هركدام از ادعیه‌ای كه ازطرف ائمه علیهم‌السّلام برای رشد و تكامل انسان وارد شده است، مرتبه خاصی را می‌طلبد: اگر شما هنگام غروب آفتاب دعای صباحی را كه مختص به صبح است بخوانید، اصلًا وفق پیدا نمی‌كند؛ اگر دعای سِماتی را كه برای عصر جمعه وارد شده است در صبح جمعه بخوانید، آن اثر را ندارد. دعای افتتاح در شب‌های ماه مبارك رمضان وارد است، نه صبح تا ظهر؛ این دعا برای وقتی است كه انسان از سحر تا غروب مبطلی انجام نداده و روزه در او تأثیر گذاشته و بعد از افطار اثرات خاصی برای صائم پدید آمده است.

## آثار اشتغال افراطی به اذكار الهی‌

 اگر قرار باشد شخصی ادعیه را از اول تا آخر مفاتیح بخواند، مثل این است كه در یك دیگ برنج، سركه، شكر و نخود ریخته شود و دیگر كسی نتواند از آن غذا چیزی بخورد. اگر گفته شود: تمام این ادعیه از معصوم است، باید گفت: خود معصوم هم این‌گونه دعا نمی‌خواند؛ امام علیه‌السّلام هر دعایی را در یك‌وقت و متناسب با حال خود می‌خوانده است.

 ممكن است ذكری در یك حال برای انسان مفید باشد، اما همان ذكر در حال‌

 دیگر آن فایده را نداشته باشد، بلكه اثر آن حال قبلی را از بین ببرد؛ زیرا همان‌طور كه نظام مزاجی انسان محكوم به قوانینی است كه باید برای صحت و سلامتی بدن آن قوانین را مدّنظر قرار داد، همین‌طور نظام تكامل روحی و رُقاء نفسانی انسان نیز محكوم به قوانینی است كه برای به‌فعلیت درآمدن آن قوا باید از این قوانین پیروی كرد؛ وگرنه برای نفس تكاملی پیدا نخواهد شد.

## اشتغال سالك به ذكر، از مهم‌ترین مسائل سلوكی در دیدگاه بزرگان‌

 اینجاست كه بزرگان برای رشد و ترقّی سالك، اشتغال به اوراد و اذكار را از اهمّ مسائل سیروسلوك می‌دانند؛ اینكه مرحوم قاضی به علّامه طباطبایی رضوان اللَه علیهما می‌فرماید: «اگر دنیا می‌خواهی نماز شب بخوان و اگر آخرت می‌خواهی نماز شب بخوان!»[[10]](#footnote-10) برای این است كه رسیدن به كمال، بدون این عمل ممكن نیست. از اینكه مرحوم قاضی می‌فرماید: «تعجب است از كسانی كه قصد رسیدن به مرتبه‌ای از مراتب كمال را داشته، ولی به قیام شب و انجام نوافل آن بی‌توجه هستند.»[[11]](#footnote-11) معلوم می‌شود نماز شب تأثیر بتّی و جدی در این مسئله دارد.

 هركس می‌خواهد در این راه قدم بگذارد بسم‌اللَه! افرادی كه دارای بصیرت هستند و این راه را رفته‌اند و مطالب را از روی واقعیت بیان می‌كنند، این‌طور می‌گویند: باید برای سالك، نافله شب، اشتغال به ادعیه، دوری از محرّمات و اتیان به فرائض و مستحبات باشد و الّا نفس نمی‌تواند به فعلیت برسد و ممكن است صد سال بدون هیچ فایده‌ای در راه بماند.

كس ندانست كه منزلگه معشوق كجاست‌ \*\*\* آن‌قدَر هست كه بانگ جرسی می‌آید[[12]](#footnote-12)

 ما همین‌قدر می‌دانیم كه بانگ جرسی می‌آید؛ دنبال این بانگ جرس را بگیریم،

 إن‌شاءاللَه به منزل محبوب هم می‌رسیم. آنهایی كه رفتند و رسیدند، گفتند خبری هست، شما خاطرتان جمع باشد، از یقین هم بالاتر است؛ منتها ما چنان در غفلت‌ها و تعلقات گرفتار هستیم كه اینها را به شوخی و مزاح حمل می‌كنیم، ولی اینها مسلّم است.

 از خداوند می‌خواهیم كه سفره ما را هرچه پربارتر و دستان ما را از فیوضات خودش هرچه سرشارتر بگرداند، و تمام افعال و كردار و سرّ و سویدای ما را همان قرار دهد كه بزرگان و اولیاء خود را آن‌چنان قرار داده است!

 اللَهمّ صَلّ علی محمّدٍ و آل محمّد

1. البته در مباحث آينده خواهد آمد كه چطور انسان بايد در بعضى از مراتب، دايره ارتباط خود را با افراد قدرى محدود كند تا آن اثر خاصى كه مترتّب بر اشتغال به مسائل معنوى و عبادى است براى او حاصل شود. [↑](#footnote-ref-1)
2. من‏باب‏مثال برخى گياهان گرمسيرى مانند« زيره» كمتر به آب نياز دارند و آن را در خود ذخيره مى‏كنند، و برخى ديگر مانند درخت چنار و بيد كه با تبديل آب به اكسيژن موجب تصفيه هوا مى‏شوند، به آب و موادّ بيشترى احتياج دارند و اگر به آنها آب نرسد زود خشك مى‏شوند و نمى‏توانند به حياتشان ادامه دهند. [↑](#footnote-ref-2)
3. از اين مسئله در طبّ قديم، به اختلاف در اخلاط اربعه تعبير مى‏كردند كه حقيقت آن در طبّ امروز نيز با بيان ديگرى وجود دارد. اگر چربى يا اسيداوريك بالا برود انسان به‏نوعى مريض مى‏شود، و اگر پايين بيايد به نوع ديگرى بيمار مى‏گردد و براى بهبود بايد دارو مصرف شود تا به‏واسطه تعديل در مزاج سلامتى حاصل شود. [↑](#footnote-ref-3)
4. بصائر الدّرجات، ص ٣٤٣:

« علىّ بنِ الحُسَينِ عليه السّلام فى حديثٍ قالَ:" يا أبا حمزة، لا تَنامَنَّ قَبلَ طلوعِ الشَّمسِ فَإنّى أكرَهُها لَكَ؛ إنَّ اللهَ يقَسِّمُ فى ذَلِك الوَقتِ أرزاقَ العِبادِ و عَلى أيدينا يجريها."»

ترجمه:« اى اباحمزه، هرگز پيش از طلوع آفتاب مخواب كه من اين كار را برايت مكروه مى‏دانم؛ به‏تحقيق كه خداوند در آن هنگام روزىِ بندگان را تقسيم مى‏كند و به‏دست ما اهل‏بيت آن تقدير را اجرا مى‏نمايد.» (محقق) [↑](#footnote-ref-4)
5. البته منظور از رزق، نان و آب و علف نيست؛ منظور بَهاء و نورانيتى است كه خداوند متعال در آن روز براى تلقّى حقايق، به اين شخص عنايت مى‏كند؛ آن نورانيت مترتّب بر بيدارىِ بين‏الطّلوعين است و اثرش در صورت و چهره افراد مشخص است. [↑](#footnote-ref-5)
6. سوره ق (٥٠) آيه ٣٩. نور ملكوت قرآن، ج ٢، ص ٥٤٢:

« و پيش از طلوع آفتاب و پيش از غروب آن، با حمدِ پروردگارت او را تسبيح كن!» [↑](#footnote-ref-6)
7. انوار الملكوت، ج ١، ص ١٩٧؛ مهر تابناك، ج ١، ص ٢٣٣. [↑](#footnote-ref-7)
8. اين تأثير در خصوص نماز ظهر است و حتى نماز عصر چنين نيست. [↑](#footnote-ref-8)
9. البته دعاى صباح به دعاى كميل بسيار نزديك است. [↑](#footnote-ref-9)
10. مهرتابان، ص ٢٥. [↑](#footnote-ref-10)
11. مهرتابناك، ج ١، ص ٢٣٣. [↑](#footnote-ref-11)
12. ديوان حافظ، غزل ٢٢٩. [↑](#footnote-ref-12)